

ص ۱۱۶۲). بر سر تاریخ وفات شعله اصفهانی اختلاف هست؛ گروهی آن را ۱۱۶۰ (برای نمونه) آذر بیگدلی، همانجا؛ محمود میرزا قاجار، ج ۲، ص ۴۸۱-۴۸۲؛ اختر، همانجا) و عده‌ای دیگر ۱۱۵۰ ذکر کرده‌اند (گوپاموی، ص ۴۴۵؛ صدیق حسن‌خان، همانجا؛ قس سامی، ذیل «شعله»، که ۱۲۲۵ را تاریخ وفات او دانسته‌است).

منابع: لطفعلی بن آقاخان آذر بیگدلی، آتشکده آذر، نیمه ۲، چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۷۸ ش؛ آقابزرگ طهرانی؛ احمد بن فرامرز اختر، تذکره اختر، ج ۱، چاپ عبدالرسول خیامپور، تبریز ۱۳۴۳ ش؛ محمدعلی تربیت، دانشمندان آذربایجان، تهران ۱۳۱۴ ش؛ ضیاءالدین حدائق شیرازی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، تهران ۱۳۲۱ ش؛ عبدالرسول خیامپور، یوسف و زلیخا، تبریز ۱۳۳۹ ش؛ مصطفی دایمی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (سنخا)، تهران ۱۳۹۰ ش -؛ صادق رضازاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، [شیراز] ۱۳۵۵ ش؛ سامی؛ محمد صدیق صدیق حسن‌خان، تذکره شمع انجمن، چاپ محمدکاظم کهدویی، یزد ۱۳۸۶ ش؛ محمد فاضل گروسی، تذکره انجمن خاقان، تهران ۱۳۷۶ ش؛ محمد قدرت‌الله گوپاموی، تذکره نتایج افکار، چاپ یوسف بیگ باباپور، قم ۱۳۸۷ ش؛ محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود، چاپ عبدالرسول خیامپور، تبریز ۱۳۴۶ ش؛ غلام‌بن ولی محمد مصحفی همدانی، عقد ثریا: تذکره فارسی‌گویان، چاپ عبدالحق، اورنگ‌آباد، دکن ۱۹۳۴؛ عبدالرزاق بن نجفعلی مفتون دُنَبلی، تذکره نگارستان دارا، ج ۱، چاپ عبدالرسول خیامپور، تبریز ۱۳۴۲ ش؛ احمد متزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران ۱۳۴۸-۱۳۵۳ ش؛ علیقلی بن محمدعلی واله داغستانی، تذکره ریاض الشعراء، چاپ محسن ناجی نصرآبادی، تهران ۱۳۸۴ ش؛ رضاقلی بن محمدهادی هدایت، مجمع‌الفصحاح، چاپ مظاهر مضافا، تهران ۱۳۴۰-۱۳۳۶ ش؛

Jan Rypka, "History of Persian literature up to the beginning of the 20th century", in *History of Iranian literature*, ed. Karl Jahn, Dordrecht, Holland: D. Reidel Publishing Co., 1968.

/ خدایار صائب /

**شعوبیه**، جنبشی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در قرن دوم و سوم، برضد باورها و رفتارهایی ناشی از احساس برتری قومی و تفوق نژادی عربها بر اقوام غیرعرب، به‌ویژه ایرانیان. واژه شعوبیه که برای دلالت به فرقه و جماعت آمده‌است، مشتق از شعب است، که در لغت به معنای گروه انسانی یا جماعتی بزرگ‌تر و گسترده‌تر از قبیله، یعنی قبیله عظیم یا اَبوالقبایل، است. لغت‌شناسان شعب را مجموع چند قبیله دانسته و در این‌باره به نظر منسوب به زیرین بکار استناد کرده‌اند که

نیمه ۲، ص ۵۲۰؛ فاضل گروسی، ص ۵۱۸؛ محمود میرزا قاجار، ج ۲، ص ۴۸۱؛ قس واله داغستانی، ج ۲، ص ۱۱۶۲، که اصل او را از اردستان دانسته‌است) و خاندان او به طبابت اشتغال داشتند (صدیق حسن‌خان، ص ۳۶۴؛ واله داغستانی، همانجا). تذکره‌نویسان تاریخ تولدی برای او ذکر نکرده‌اند، اما از گفتار مفتون دُنَبلی، صاحب نگارستان دارا (ص ۲۱۱-۲۱۲)، برمی‌آید که او اواخر دوران پادشاهی شاه‌سلطان‌حسین صفوی (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵) و همچنین حمله افغانه به اصفهان را درک کرده و در این دوران، از نظر سنی در مرتبه‌ای بوده که طبیعی مجرب و صاحب‌نام تلقی می‌شده‌است؛ بنابراین، گفته مصحفی همدانی در عقد ثریا (ص ۳۴) که سن او را هنگام وفات هجده سال دانسته، چندان درست نمی‌نماید. اکثر تذکره‌نویسان به مهارت شعله اصفهانی در سخن‌سرایی و فنون نظم، به‌ویژه قصیده، اشاره کرده‌اند (برای نمونه) آذر بیگدلی، همانجا؛ اختر، ج ۱، ص ۹۷؛ فاضل گروسی، همانجا). شعله اصفهانی را به‌همراه مشتاق اصفهانی\* از سردمداران بازگشت ادبی دانسته‌اند (ریپکا، ص ۳۰۷-۳۰۸؛ رضازاده شفق، ص ۵۸۱). شعله به شیوه استادان متقدم شعر می‌گفت (واله داغستانی، همانجا؛ هدایت، ج ۲، بخش ۲، ص ۵۶۲). آذر بیگدلی (همانجا) او را در این زمینه از معاصرانش برتر دانسته‌است. ظاهراً نسخه‌ای از دیوان اشعار او برجا نمانده‌است (درایتی، ج ۱۵، ص ۴۲۷؛ متزوی، ج ۳، ص ۲۳۸). تذکره‌نویسان چند نمونه از شعر او به‌ویژه قصیده‌ای در ستایش امام‌علی علیه‌السلام نقل کرده‌اند (برای نمونه) آذر بیگدلی، نیمه ۲، ص ۵۲۱-۵۲۳؛ فاضل گروسی، ص ۵۱۹؛ هدایت، ج ۲، بخش ۲، ص ۵۶۲-۵۶۳). علاوه‌بر اینها، واله داغستانی (ج ۲، ص ۱۱۶۳) شعری در قالب مربع از او آورده که به اقتضای وحشی بافقی\* سروده‌است. گروهی شعله اصفهانی را به اشتباه با شعله گلپایگانی یکی دانسته و احوالات این دو را به هم آمیخته‌اند؛ ازجمله اینکه منظومه یوسف و زلیخا از شعله گلپایگانی را به شعله اصفهانی منتسب کرده‌اند (مصحفی همدانی، ص ۳۴؛ مفتون دُنَبلی، ص ۲۱۲؛ تربیت، ص ۱۷۵؛ حدائق شیرازی، ج ۳، ص ۷۰۳-۷۰۴؛ در مورد اشتباه‌بودن این انتساب) آقابزرگ طهرانی، ج ۹، قسم ۲، ص ۵۲۸؛ خیامپور، ص ۴۶-۴۵).

شعله اصفهانی طبیعی ماهر و مشهور نیز بود (آذر بیگدلی، نیمه ۲، ص ۵۲۰؛ مفتون دُنَبلی، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ صدیق حسن‌خان، همانجا). به گفته تذکره‌نویسان او از حکمت و علوم الهی بهره‌ای داشت و با موسیقی نیز آشنا بود. (آذر بیگدلی، همانجا؛ هدایت، ج ۲، بخش ۲، ص ۵۶۲؛ واله داغستانی، ج ۲،

1. Rypka